

بحث در موضوعات حقوقی

بزه سیاسی

(بقیه) گزارش مسیو هامریک

۲ - خلاصه تاریخی

چون ملاحظه نظر ما بیش ازین نیست که میخواهیم یک تعریف قانونی از بزه سیاسی بنماییم، کافی است که از بدو ظهور این کلمه در حقوق جزائی شروع کنیم - معلوم است که مفهوم بزه سیاسی خیلی قدیم تر از پیدایش آن است در اصطلاحات قضائی - بزه سیاسی با تأسیس حکومت هم عمر است و کشورها همیشه نسبت بزههایی که آرامش داخلی یا خارجی آنها را تهدید میکرده بدون آنکه آنها را بیک عنوان ممیزی توصیف کنند سخت گیری مخصوصی داشته اند و چون گزارش مفصل این موضوع بطور مستقیم نسبت بفرض ما سودمند نیست کافی است بگوییم که حقوق قدیم از ازمینه قدیمه تا اول قرن ۱۹ بزه سیاسی را همان بزه عمومی میکرفته که مقرون بکیفیت مشددی شده باشد و نسبت بآن بسیار سخت گیری میشده. دستگاه اعدام که همیشه یک دستگاه مهمی بوده بخصوص در موقع بزهای سیاسی بکار میافتاده.

فرانسه در زمان کنوانسیون مثالهای فراوانی برای آن تهیه کرده که همه شنیده و میدانند و شاید منتهای رواج این رویه در اگونگی (۱) در همان اوقات بوده و از آن زمان بعد رو بتنزل گذاشته. راست است که طریقه مجازاتی فرانسه در عصر سلطنت

۱ - در اگون یکی از مقننین قدیم یونان وقوانین او در منتهای سختی بوده که در مقام مبالغه میگفته اند قوانین در اگون با خون نوشته شده.

نسبت بزههایی که بآرامش کشور بر خورد میکند خیلی سخت بوده و بر طبق عقیده آن زمان این گونه بزهها خطرناکترین و بزرگترین بزه هامحسوب و برای جلو گیری از آنها کیفرهای سخت لازم میدانسته اند لکن از بعد از ناپلئون عقیده عمومی درین باب بسوی رفق و مدارا و ملایمت متوجه شده و برای اول مرتبه پس از سقوط ناپلیون کلمه بزه سیاسی بقلم بعضی از نویسندگان حزب آزادی خواه جاری و در مطبوعات فرانسه ظاهر شد و کم کم نویسندگان عقاید عمومی را برای مساعدت باین طبقه حاضر کردند و طولی نکشید که صریحاً برای آنها درخواست پاره ارفاقها نمودند و باین طریق عنوان بزه سیاسی در حقوق جزائی وارد شد. در سال ۱۸۳۰ در شارت (۱) مقرر شد که محاکمه بزه کاران سیاسی در هیئت منصفه بعمل آید و قانون ۱۸۳۲ درباره آنها کیفرهای مخصوص مقرر کرد و این طبقه باین طریق بمراعاتهایی اختصاص یافتند.

از آن زمان بزه سیاسی یک تعبیر قانونی شد و بسرعت منتشر گردید و بوسیله قوانین دیگر بخصوص در فرانسه احکام خاصی پیدا کرد. - رویه فرانسه در

۱ - شارت در لاتیمنی قدیم بمعنی کاغذوستند و در فرانسه بالاخص فرمائی است که سلطانی بموجب آن بعض آزادیها یا امتیازات یا تخفیفها بملت خود میدهد و مطلق که گفته شود مراد فرمائی است که در سال ۱۸۱۴ مسیحی یا امضای لوی ۱۸ پادشاه فرانسه صادر شده و در ۱۸۳۰ با اصلاحاتی چند بامضای لوی فیلیپ رسانده اند.

(مترجم)

بسیاری از قوانین ملل دیگر هم موثر واقع شد مانند بلژیک و اروپای شمالی و امریکای لاتین. و نیز بعض کشورهای دیگر در طریق پیروی ازین رویه بودند و علمای حقوق در راه حل مسئله از طریق علمی کار میکردند تا مگر بتوانند برای بزه سیاسی يك تعريف جامع و مانعی بدست بیاورند و باین نحو طریقه ارفاقی که حوزه قضائی جهانی را مدت‌ها مسخر کرده بود در قرن ۱۹ در فرانسه بوجود آمد - مشخصات این طریقه را میتوان بیعض قواعد کلی برگرداند که یا همه آنها یا بعضی از آنها در بسیاری از قوانین ملل داخل شده‌اند:

۱- بزهای سیاسی کیفرهای مخصوص لازم دارد (که تردیلی نباشد)

۲- در مورد بزهای سیاسی استرداد پذیرفته نمی شود.

۳- برای بزه سیاسی کیفر اعدام مقرر نمیشود

۴- رسیدگی بآن باید با حضور هیئت منصفه باشد.

از زمان جنگ عمومی در افکار تغییرات محسوسی پیدا شد مبارزه دسته‌ها که هر يك طالب برتری خود بودند باعث این شد که در بعض کشورهای اقلیت‌های قوی پدید آمد تغییرات جغرافیائی و سیاسی که در ضمن معاهده صلح پیش آمد در بعض اقوام فکر توسعه دادن ارضی و جلو بردن مرزهای خود برای الحاق کردن عده از هم زبانان بخود و در بعضی فکر جدا شدن از اکثریت و ملحق شدن بهم زبانان خود ایجاد کرد. درین دوره کشمکش سیاسی بعضی از کشورها که از جهت فعالیت احزاب اقلیت خود را در معرض تهدید تصور میکردند ب فکر توسعه دادن قوانین کیفری خود و تشدید کیفر نسبت ب بزه های سیاسی افتادند.

این حادثه بعد از جنگ عمومی در همه جا پیدا شده بود. عده زیادی از کشورها در صدد برآمدند که وسائل دفاع قانونی خود را بهر نحوی هست تقویت کنند. حتی کشورهایی که بزه سیاسی بانظر مشوب بارفاق و اغماض

مینگریستند لازم دانستند که در قوانین خود مقرراتی استثنائی داخل کنند که اگر سابقاً پیشنهاد شده بود بعنوان اینکه ظالمانه است پذیرفته نمیشد. حال دیگر این را کافی نمیدانند که در طریقه قدیم باره اصلاحات بکنند و بعض جزئیات آنرا تغییر دهند یا بعض خصوصیات بر آن بیفزایند بلکه لازم می‌شمرند که قوانین پیشرا بالمره عوض کنند و بجای آنها قوانین سختی وضع کنند که مشتمل بر هیچ گونه ارفاقی نسبت ببزه کار سیاسی نباشد دیگر کیفر ملایمی که مخصوص بزه سیاسی باشد قائل نمیشوند - کیفر اعدام برای بعض بزهای سیاسی برقرار میکنند - دیگر بست سیاسی برای متهمین سیاسی نیست که نتوان استرداد نمود و در هیئت منصفه محاکمه آنها بعمل نیاید - این است علامات فارقه این رویه جزائی که باروی قدیم در مبارزه است و در بعض کشورها مانند ایتالیا و آلمان و غیره فاتح هم شده.

۳- طریقه‌های متمایز بارفاق

درین طریقه‌ها چنانکه فعلا در بعض کشورها معمول به و متبع است ثمره این بحث یعنی فرق گذاشتن بین بزه سیاسی و بزه غیر سیاسی از چند جا بدست می‌آید:

۱- از تعیین کیفر بزه

۲- از تعیین مرجع صالح دادرسی

۳- از مقررات باب استرداد بزه کاران

برای تعیین کردن بزهایی که مقننی میخواهد آنها را سیاسی بداند چند راه در دست دارد: میتواند آنها را مستقیماً یعنی بوسیله تعریف قانونی یا بوسیله شمردن اعمالی چند تحت این عنوان تعیین کند و میتواند بطور غیر مستقیم یعنی بوسیله رژیم خاصی که در مورد آنها اعمال میکند تعیین نماید.

چون تعریف قانونی متضمن اشکالاتی است بسیاری از مقننین ترجیح داده‌اند که باین سؤال که جرم سیاسی چیست؟ پاسخ مستقیمی ندهند - قوانین کیفر عمده ملل در اختراز کردن از يك چنین (تعریفی) متفق هستند.

ولیکن در خارج این دایره بعضی مقننین بزه سیاسی را تعریف کرده اند مثلاً در باب استرداد بزه کاران از آیین دادرسی کیفری در قانون آلمان (قانون ۱۹۲۹ ماده ۳) بزه سیاسی باین نحو تعریف شده: بزه سیاسی هر عمل قابل کیفری است که بر ضد اساس کشور یا امنیت آن یا بر ضد رئیس کشور یا بر ضد یکی از اعضاء حکومت از آنجهت که عضو حکومت است یا بر ضد مجلس مؤسس یا بر ضد حقوق سیاسی انتخاب کنندگان یا انتخاب شده یا برخلاف روابط حسنه با بیگانگان ارتکاب شود.

جز در يك مورد فوق فکر تعریف کردن جرم سیاسی بتعریف جامع و مانع از طرف مقننین تعقیب نشده لکن طریقه فهماندن معنی جرم سیاسی بوسیله شمردن اعمال در قانون فرانسه (قانون سال ۱۸۳۰) ملاحظه میشود. در ماده ۷ آن قانون میگوید: جرایم ذیل سیاسی نامیده میشوند:

- ۱ - جرائم مذکوره در فصل اول و دوم از باب اول از کتاب سوم قانون کیفر عمومی.
- ۲ - جرائم مذکور در قسمت ۳ و ۷... تا آخر در اینجا این بحث هم شده که آیا ذکر این بزه ها بعنوان حصر است یا اینها نمونه هایی است که از روی آنها معنی کلی بزه سیاسی بدست آید ولیکن این بحث امروز بی مورد است زیرا در قوانین متأخر فرانسه بعضی بزه های دیگر نیز بزه سیاسی نامیده شده.

بشاشده که مقننین بعمل کردن مسئله بطور غیر مستقیم اکتفا کرده اند مثلاً قانون بلژیک نه بزه سیاسی را تعریف میکند و نه می شمارد و باین نمیتوان گفت در قانون بلژیک بزه سیاسی نیست زیرا ماده ۹۸ قانون اساسی آنهارسیدگی بزه سیاسی را با حضور هیئت منصفه مقرر کرده - وهم چنین در قوانین متأخر خود بعضی بزه ها را بوسیله دخالت دادن هیئت منصفه هر چند کیفرش حبس تادیبی باشد یا بوسیله تعیین کردن کیفری که برای بزه سیاسی تعیین میشود در ردیف بزه سیاسی داخل کرده اند - در کشورهای اسکاندیناوی (سوئد و نروژ و دانمارک) نیز رویه کاملاً شبیه باین برقرار است و در همه اینها نه تعریفی از بزه سیاسی شده و نه تعدادی بعمل آمده مثلاً در ماده ۷۲ قانون اساسی دانمارک رسیدگی ببزه سیاسی را بیهیئت منصفه واگذار میکند اما نه در قانون کیفر عمومی و نه در سایر قوانین آنها ذکر نشده که بزه سیاسی کدام است - در انگلستان عنوان بزه سیاسی جز در موضوع استرداد مجرمین ذکر نشده - همچنین در اصطلاحات قانون جزائی اسپانیا (سال ۱۹۲۸) از بزه سیاسی نامی نبرده اند

حال که بزه سیاسی از طرف مقننین تعریف نشده باید معنی آنرا در آراء و نظریات علمای حقوق جستجو کرد. حسن مشکان طبسی

داشتن حساب در بانک

۱ - مقدمه

بانک بنگاه تجارتمی است که موضوع تجارت آن پول یا اسنادیکه جانشین پول هستند میباشد و مانند يك نفر بازرگان که کالا خرید و فروش مینماید بانک نیز

دو ستد پول میکند و باقسام مختلف سرمایه خود و پولهایی را که دیگران بان سپرده اند بانرخ معینی وام داده و بانرخهای ارزانتری از سرمایه داران وام میگیرد و سپرده قبول مینماید عموماً وام گرفتن بانک از مشتریان